

## مقدمهٔ مصحح

کسانی که هنوز بادیات و شاهکارهای ادبی باستان اهمیت میدهند میدانند که یکی از نفایس کتب زبان پارسی ترجمهٔ تاریخ یمنی است. این کتاب را ابوالنصر محمد عتبی در سدهٔ پنجم بتألیف و ابوالشرف ناصح جرفادقانی (۱) در سدهٔ ششم بیارسی شیوائی نقل کرده است. - کنیهٔ عتبی « ابوالنصر » هم ضبط شده.

ابوالنصر محمد بن عبد الجبار العتبی از فحول افاضل خراسان است، مؤرخ و دبیر و شاعر بوده، در علم و ادب و فصاحت و بلاغت رتبهٔ کمال داشته، فضیلتی ایران و ماوراء النهر و زاولستان و عراق بتقدم او اذعان نمیکرده اند.

عتبی زاد و بومش شهرستان ری بوده، در آغاز شباب که هنوز در بوستان عارضش خط ندیده بود ترك دار و دیار گفته بخراسان نزد خال خود بونصر عتبی از وجوه عمال سامانیان رفته است. خالش، که پیری محتشم با دیداری نیکو بود، خواهرزاده را مانند فرزند بجان پرورده در نکو داشت وی تکلف و تنوق کرد؛ چون خود اهل دانش بود، او را بکسب علم و ادب و مطالعهٔ کتب سودمند و مصاحبت با دانشوران تشویق میفرمود. محمد عتبی از لغت و ادبیات عرب و فقه و حدیث و تفسیر و منطق و کلام بهرهٔ وافعی یافت، کتاب کریم را با قراءات دهگانه حفظ کرد، در تاریخ و سیر دید، از خرمن آزمایش خوشه‌ها برگرفت تا سزاوار دولت و شایان عزت و رفعت گردید. جوان رازی که طراوتی با لطافت و لیاقتی بی نهایت داشت، پس از احوال و اسفاری که برایش پیش آمد، در بخارا بدربار امیر رضی ابوالقاسم نوح بن منصور هفتمین پادشاه سامانی راه وجاه یافته، رئیس برید نیشابور شد، و سالی چند هم صاحب دیوان رسائل عمادالدوله ابوعلی محمد بن محمد سیمجور امیر و سپهسالار خراسان بود.

و لم ار امثال الرجال تفاوت لدی المجد حتی عد الف بواحد

عتبی آزاد مردی فرزانه و متین و فروتن و خویشان دار و بلند همت و گشاده روی و خوش محضر و مجلس آرا و بذله گوی بود؛ با مردم نیکوکار و در دوستی وفا دار، در فضل و دانش بمثابته که شمس المعالی ابوالحسن قابوس بن وشمگیر بن زیار (۲)

(۱) جرفادقان - یا - جرباذقان معرب گلیایگان است (۲) آل زیار از خاندانهای بزرگ و اصیل ایران و دارای صفات برجستهٔ ایرانی که مردانگی و نیکی و جنگاوریست بوده اند. اگر روزگار با پادشاهان این سلسله یاری میکرد دارالخلافهٔ بغداد را میگرفتند و فر و شکوه دربار ساسانی را تجدید میکردند.